



اسلام چي چيزي
براي جوانان
ميد هد ؟



اگر شما علاقه مند عضویت در فهماء باشید، با ما به تماس شوید.



فهماء چیست؟

فهماء یک مرکز تحقیقاتی مستقل و غیر انتفاعی بوده که نشریه های خود را به صورت مجازی نشر میکند. این مرکز توسط خواجه محمد رفیع صدیقی در سال ۱۴۰۱ ایجاد گردید.

انگیزه ایجاد این مرکز بعد از سال ها کار در نهاد های علمی و بودن در میان توده های مختلف جامعه به وجود آمد زمانی که دیده شد با وجود تحولات بزرگ در چند دهه اخیر هنوز افغانستان در آتش های مختلف نفاق، تعصب، عرف ناپسند، دشمنی و جهل میسوزد.

تفاوت نشریه های ما با دیگر مراکز در این است که فهماء تحقیقات اش را عملی میکند بنا کوچک اما حقیقی است. نه اینکه کتاب ها و رساله های زیادی نشر کند اما فقط روی صفحات و الماری ها باشد.

فهماء شعبه های مختلف و در حال گسترش دارد، از رهبری و جامعه تا خانواده و معارف و از امنیت تا اقتصاد، آنچه نیاز زمانی و حقیقت فراموش شده باشد را برای ملت خواهد رساند.

فهرست مطالب

صفحه

چرا این عنوان	اول
وضعیت هویتی جوانان در غرب.....	دوم
وضعیت هویتی جوانان امروز	چهارم
و آنچه اسلام میدهد.....	ششم

حرف اول -

چرا این عنوان



امروز **جوانان** چون پرنده های زندانی در قفس ساخته شده از شیشه به هر دیوار کاذب خود شان را میزنند و در اخیر خسته و بال شکسته روی فرش قفس که از تار های نا امیدی و پژمرده گی بافته شده است در انتظار مرگ باقی میمانند.

و این وضعیت هر جامعه را به طریقی تباه نمود. انسانیت و جامعه که اساس آن جوانان است را به سوی گرداب از دلمرده گی و **خون** ریزی ها جهت داده است. و اگر ما برای نجات و معرفی هویت حقیقی جوانان اقدام نکنیم به راستی که خود در آتش بزرگترین هوس نفس که همان نداشتن **عشق** به **شهادت** و خدمت است، در حال سوختن هستیم.

بنا ما در شعبه فهماء حضوری برای یک توده کوچک از جوانان همه قضایا را به صورت واضح بیان نمودیم. و برای اینکه موضوع برای دیگر دوستان نیز برسد کلیات را نبشته شده در صفحات خود نشر میکنیم.

این نشریه به اساس واقعیت های فعلی زندگی جوانان آمریکا و افغانستان در چند ماه گذشته نبشته شده و اطلاعات از افراد مختلف در داخل و خارج از کشور جمع آوری گردیده است.

وضعیت هویتی جوانان در غرب



آنچه ما از مطالعات خود به دست آوردیم نهایت متاثر کننده بود. جوانان در آمریکا و جوانان در سمت شمالی اروپا که جنس زندگی اجتماعی مشابه دارند، اصلا در کناره های چوکات انسانی هم برابر نیستند. جوانان با گرفتن آزادی بعد از سن ۱۶ یا ۱۸ در نبود دین اسلام در هوای نفس و شهوت های خود غرق شده و وارد

زندگی جنسی غیر مشروع میشوند. سپس به اثر نبود خانواده و کثرت محبت های پاک به انزواء، اعتیاد به تکنالوژی و مواد مخدر مبتلا شده و در نتیجه به سرحد کشتن نفس یا هم زندگی بدون معنی میرسند.

در آمریکا هر فرد که توانایی مالی داشته باشد حتما یک روانشناس دارد و این نشانه عدم ثبات فکری و راه گم بودن در اعماق جامعه میباشد. به همین دلیل است که آنها دست به انواع سرگرمی های پر مصرف و هلاک کننده میزنند تا به آرامش فکری برسند. اما تفنگ ها به عقب شلیک کرده و همچنان جامعه شان را به چالش میکشاند.

به طور مثال کنسرت های موسیقی و مسابقات ورزشی با هزینه میلیون ها دلار و اشتراک صد ها هزار نفر برای سرگرمی ایجاد میگردد اما به جای اینکه

از درون آرام شان کند برعکس میدان های ورزشی و تالار ها تبدیل به بازار فروش مواد مخدر و صحنه تبلیغات همجنس گرایی گردیده و جامعه با چالش امراض و کثرت مواد مخدر رویاروی گردید.

و این بی هویت بودن حتی هر انسان را در ذات خود اش با اصطلاح مد و فیشن به مسیر های دور از کرامت انسانی سوق داد. که سر انجام پسران با تغییرات عجیب در شکل ریش، مو، و لباس شان و دختران با جراحی ها، استفاده از وسایل آرایشی و لباس های بریده و نیمه برهنه از یک جهت زمینه ظلم را برای تولید کننده گان این محصولات فراهم کرده اند و از دیگر جهت ارزش ها و زیبایی های فطری انسان را زیر سوال برده و حتی فاصله های بزرگ را در زندگی زن و شویی ایجاد کردند. که بالا رفتن خواسته های نفس خلاف توانایی های ذاتی ستون های محبت و خانواده را سست و بازار فروش محصولات غیر لازمی را به اوج اش رساند.

و متأسفانه **افغانستان** یکی از ممالک جهان عقب مانده است، که همچنان در این گودال افتاده و میلیون ها افغانی خود را خرچ همین مد و فیشن یا محصولات اضافی کرده اند. ۲۰ سال حکومت جمهوریت و بازار های بزرگ مانند لیسه مریم و شهر نو در کابل نشانه های آشکار از ترویج فرهنگ مد و فیش با ظلم، و جهل مطلق است.

حتی یک تعداد از خانواده های روحانی همچنان در این فرهنگ های تحمیل شده میسوزند و اختلافات فکری در میان خانواده سبب نفرت و عدم همدلی میان شان گردیده است.

وضعیت هویتی جوانان امروز

بحران نداشتن هویت صحیح تنها جوانان غرب را تباه نکرده بلکه ممالک جهان سوم را همچنان در گرداب سیاه هویت ها غرق نموده است. به صورت مشخص جوانان افغانستان پس از پایان دوران کمونیسم و آغاز اشغال آمریکا هویت های مختلف را تجربه و یا به صورت اجباری قبول کرده اند. این تنوع در هویت ظاهری و اخلاقی شان سبب افزایش جنس زندگی در میان جوانان گردید.

به طور مثال جوانان که در مناطق مرکزی زندگی میکردند به جنس زندگی اروپایی و خود گرایی علاقه مند شده و همه چیز شان را با الگو گیری از رسانه ها تنظیم میکردند. اما در مقابل جوانان که از مراکز تجارتي و کار کردن با سازمان های بیرونی دور مانده بودند و از اقتصاد خوبی برخوردار نبودن با سبک زندگی محلی خود شان احساس غرور کرده و این حالت باعث ایجاد دو نوع از لندگریسم در جامعه ما گردید.

نوع اول جوانان با لباس های محلی، موتر سایکل و حمل چاقو با علاقه به موسیقی محلی بودند. و نوع دوم از توده های سرمایه دار با موتر های شاسی بلند، موسیقی پاپ و... امکانات بلند دولتی یا شخصی در جامعه حضور داشتند.

ادامه این لندگریسم باعث رشد وسیع قلیون خانه ها و رابطه های نامشروع گردیده و جرایم جنایی و ناموسی به اوج خود رسید. که یکی از دلایل این گسترش سریع خواسته های نامشروع القاء شده برای جوانان بود.

در مقابل جوانان هدایت شده بودند که از وضعیت به تنگ آمده و برای نجات خود و فامیل شان در جستجوی حقایق بودند. این جوانان هدایت شده به صورت تنظیمی یا غیر تنظیمی حلقات درسی را در مساجد، دانشگاه ها ، آموزشگاه ها و گروه های مجازی را در فیسبوک و ... ایجاد کردند. که بعضی اوقات مفید و بعضی اوقات به سبب تازه کار بودن باعث ایجاد مشکل برای خود یا دوستان شان میشدند. اما در هر حالت مانند درخت سبز میان جنگل خشکیده نشانه از امید و علم در این سرزمین عجایب بودند.

بزرگترین چالش این جوانان اختلافات مذهبی و سازمان های استخباراتی منطقه بود که برنامه های شستشوی مغزی را از طریق نهاد های جامعه مدنی اجرا و جوانان را شکار میکردند. در مقابل این سازمان ها توانایی های مادی این جوانان قابل مقایسه نبوده و اکثرا دشمن و پس مانده های اشغال موفق از آب بیرون میشد.

اما با وجود این، تعداد جوانان متدین در حال گسترش بوده و یک نفر شان در مقابل صد ها حيله دشمن قرار میگرفتند. که واقعا قابل قدر و نشانه نصرت الهی میباشد.

در کنار این توده ها جوانان زیادی در غرب و افغانستان با استفاده از امکانات زندگی در ممالک خود زندگی شخصی اش را از این همه گرفتاری ها جدا کرده و به پیدا کردن پول و تخصص همه زندگی خود را خلاصه نموده اند. این سبک زندگی خوبی ها و بدی های خود را دارد ولی در هر حالت به صورت مطلق قابل قبول نبوده و زندگی زیبا نیست.

و آنچه اسلام میدهد

اسلام جوانان را از همه این گرداب‌ها نجات داده و اهمیت وجود اش را برای او به معرفی می‌گیرد. چون این دین یگانه مسیر کامل و درست زندگی برای بشریت است.

دین اسلام آن گوهر‌های را برای جوانان هدیه میکند که هیچ فکر و فردی برای جوانان داده نمی‌تواند. این گوهرها در نبودشان همه داشته‌ها را زایل نموده و زندگی از مسیر درست آن منحرف می‌گردد.

من به سه نمونه از این گوهرها اشاره میکنم. که عبارت از شجاعت، خانواده و عزت است.

شجاعت

وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (سوره الطلاق ۳)

جوان مسلمان با بلندترین حس شجاعت که همان ترس از الله سبحانه میباشد زندگی میکند. او به سبب این ایمان خود هرگز برای پیدا کردن روزی خود خیانت نکرده و دست به اعمال نامشروع نمی‌زند، چون او میداند که الله روزی دهنده است. این حس چنان شجاعت و امید را در دل جوان مسلمان ایجاد میکند که در اوج تنهایی و گرسنگی بازهم چهره خندان و شاد داشته و به هیچ دشمنی دست ذلت پیش نمی‌کند. سپس جوان مسلمان خود را به خالق و مدبر هستی تسلیم میکند و این تسلیمی در حقیق بلندترین درجه قدرت برای جوان است. این تسلیمی در حقیق یاری گرفتن از قدر مافوق همه قدرت‌ها بوده و جوان را به اصل منبع قدرت و فداکاری میرساند. در نهایت او بر هیچ کمی در زندگی خود پریشان نمی‌شود چون او میداند که قد جعل الله لكل شیء قدرا و ان الله بالغ امره.

خانواده

هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ..

جوان مسلمان هرگز در فکر رابطه های خیالی و لحظه یی نبوده بلکه زن را لباس عزت و مردانه گی خود میداند. اسلام برای جوان مسلمان یکی از بزرگترین نعمت های دنیوی (خانواده) را هدیه میدهد. قبل از اینکه جوان تشکیل خانواده بدهد او در دامن مادر با یک دنیایی از محبت و مهربانی بزرگ شده و اعضاء خانواده هر کدام به طریقی یاوران او هستند. سپس زمانی که خود جوان مسلمان ازدواج میکند و این ازدواج از ابتداء مطابق سنت رسول الله ص میباشد. ذهن جوان مسلمان را از هر نوع گنده کاری ها شستشو کرده و چشمان اش را فقط در یک فرد حفظ میکند این درحقیقت مقدمه برای نجات جامعه است. زمانی که جوان مسلمان خانواده مسلمان را تشکیل میدهد در حقیقت از صد ها زنا و فساد در جامعه خود داری کرده است. جوان دیگر خاطرات تلخ و حس شرمنده گی یا تمایل به خود کشی نداشته بلکه هر روز بیشتر از دیروز برای بهتر شدن زندگی خود و خانواده اش تلاش میکند. در حقیقت تلاش این جوان تلاش برای بهتر شدن زندگی در همان جامعه است که او زندگی میکند.

البته خانواده با تعریف اسلامی که عبارت از نکاح میباشد. ما به هر ازدواج نکاح گفته نمی توانیم ازدواج های که دائمی نبوده، اهداف در آن مشخص نیست و سنت ها در آن عملی نمی گردد غیر اینکه نکاح نمی باشد همچنان جامعه را به سوی تباهی سوق میدهد.

عزت

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (سورة الإسراء 70)

انسان در ذات خود از کرامت و عزت بلندی برخوردار است. اما در نبود اسلام در حیات فرد، انسان بی ارزش تر از حیوانات جنگل میگردد. این اسلام است که جوان را از سپری کردن شب با دهن پر از شراب با غذا های کثیف و خوابیدن با تن فروش های روی سرک به خانواده، پاکي و سیمای پر نور و زیبا سوق میدهد. اسلام جوان را در هر قسمت از زمین با هویت مشخص و ثابت معرفی میکند. ریش و کلاه با لباس ساده و نظیف، چشم های پایین از نامحرم، نماز های پنجگانه، و تلاوت قرآن کریم او را از ستاره های موسیقی و سینما جدا میکند. روح قوی و بدن سالم او بر پیشانی اش مسلمان مینویسد. و این همان اسمی است که با هیچی نمی توان تبدیل اش کرد. این اسم به تنهایی خود بزرگترین وظیفه و یگانه آرزوی ما در دو گیتی است.

یادداشت های شما
